

## چهل سال بعد از مسافرت تاریخی شهید داوود خان به مسکو

درست چهل سال قبل از امروز ۲۳ الی ۲۶ حمل ۱۳۵۶ هجری شمسی مطابق ۱۲ تا ۱۵ اپریل سال ۱۹۷۷ شهید داوود خان دومین مسافرت رسمی اش را بعنوان رهبر دولت افغانستان به اتحاد شوروی انجام داد تا با جانب شوروی بخاطر جلب کمک مالی و تخنیک و قرضه های طویل المدت به میعار چند میلیارد دالر جهت اجرای بموقع پلان های اقتصادی و عمدتاً زیربنایی ۷ سال آینده افغانستان صحبت و تبادل نظر نماید.

هر چند در آن زمان روابط میان افغانستان و اتحاد شوروی در سطح روابط آنکشور با ممالک نیمه مستعمره شوروی یا پکت سوسیالیزم بشمول کوبا و ویتنام بمانند آغا ونوکر نبود، ولی رابطه افغانستان با کشور مذکور با در نظر داشت بعضی از فاکتها کاملاً دوستانه بود. نزدیک به ۵۰۰ متخصص ملکی و نظامی شوروی در افغانستان مشغول کار بوده و همزمان شوروی ها خوب میدانستند که نقش اینکشور در ساخت و ساز تعدادی از پروژه های زیربنایی افغانستان و حمایه ضمنی و تلویحی شوروی از مسلمانان فلسطین و اعراب در مخاصمه با اسرائیل، خوشبینی زیاد نسبت به شوروی در میان اقشار مختلف مردم افغانستان ایجاد کرده بود؛ نتیجتاً کشور شوروی برخلاف مصارف میلیارد دالری در حفظ سرحدات اش باکشور های ناروی، ترکیه و ایران؛ در سرحد با افغانستان فقط چند صد هزار دالر مصرف میکرد. حالا با در نظر داشت پراگراف اخیر برخورد و درخواست نابخردانه بریژنف روی میز مذاکره در جملات ذیل را چطور میتوان ارزیابی کرد. توجه کنید.

### بریژنف گفت:

«آقای رئیس جمهور! شما به خوبی میدانید که کشور ما همیشه نزدیکترین دوست افغانستان بوده و در هروقت و مرحله بی دست دوستی را به افغانستان پیش کرده و از هیچ نوع کمکی دریغ نکرده است حال هم ما به خوشی حاضریم که برای اجرای پلان جدید اقتصادی افغانستان کمک کنیم ولی طوریکه اطلاع دارید دشمنان ما میخواهند که در این دوستی ما رخنه انداخته و آنرا خراب سازند، بنین ملحوظ عمل خود ها را زیر عنوان پیکسور و رضا کار و غیره به افغانستان اعزام میدارند. که آنها زیر عنوان کمک و همکاری اساساً در تخریب روابط ذات البینی ما میکوشند. باید حکومت افغانستان تمام این اشخاص را از افغانستان خارج کند» 1

طرح چنین سخنان روی میز مذاکره دوستانه و کشیدن خط و نشان استعمار گرانه برای دولت و مردم افغانستان و گرفتن گریبان داوودخان را در زمینه چگونه باید قضاوت کرد؟ شاید بریژنف فکر کرده که داوود خان بمانند رهبران بلی گوی کشور های نیمه مستعمره شوروی یا پکت سوسیالیزم در برابر حرفهای اضافی و غیر معقول بریژنف بلی خواهد گفت، یا حد اقل خاموشی اختیار خواهد؛ اما داوود خان با یک حرکت قهرمانانه با جواب معقول و منطقی با مشت محکم به گونه پوسیده و پلاستیکی بریژنف کوبید و موصوف را با جواب ذیل در جایش میخکوب کرد.

شهید داوود خان گفت :-

«جلالتآب بریژنف ! شما و همه خوب میدانند که افغانستان یک کشور رو به انکشاف بوده و برای رفع مشکلات اقتصادی خود به کمک تمام کشور های دوست خود در جهان ضرورت دارد، و ما همیشه از کمک های کشورهای دوست منجمله اتحاد شوروی صمیمانه تشکر میکنیم، بنا براین همیشه خواهشمندیم تا کشور های دوست با کمک های اقتصادی و اعزام متخصصین خود به افغانستان با ما کمک کنند، ولی این کمکها و اعزام متخصصین بمنزله مداخله در امور داخلی ما بحساب برود ما از بازوی اینها گرفته و تمام شانرا از افغانستان بیرون میاندازیم. (درین لحظه حرکتی را بادت راست خود اجرا کردند مانند شخصی که شی دست داشته اش را بفاصله ۵-۶ متر دورتر از خود مانند دیسکی پرتاب کند) ولو که از جرمنی، فرانسه، اتحاد شوروی، امریکا، بلغاریه و غیره باشند. و بعد از ترجمه این گفتار خود یک بار دیگر علاوه کردند که با اجازه شما یکبار دیگر سخنانم را تکرار میکنم و عین مطلب خود را با همان حرکت دست و نام بردن از همان کشور ها تکرار کردند و افزودند: البته افغانستان یک کشور غریب

است، ولی یک کشور مستقل و آزاد است، و به هیچ کشوری اجازه نمیدهد که بنام کمک در امور داخلی اش مداخله کند. تعیین سرنوشت افغانستان تنها بدست ملت افغان بوده و تنها مردم افغانستان حق دارند که در باره آن تصمیم بگیرند.» 2

جمیلی صاحب در مقاله شان مینویسند که مترجم روسی مطلب فوق را به گونه دیگری ترجمه کرد، که با مداخله ایشان بعداً مترجم روسی به اصلاح پرداخته و اصل گفته های برژنف را به هیأت افغانی باز گو کرد. درک بنده در این مورد اینست؛ بدون شک صدراعظم وقت شوروی الکسی کاسیگین و صدر هیئت رئیسه شوروی عالی این کشور نیکولای پود گورنی از طرح سخنان برژنف در مورد حضور متخصصان ملکی کشور های غربی در افغانستان قبلاً آگاهی داشتند، و به همین خاطر شاید کاسیگین و یا هم پودگورنی به مترجم روسی گوشزد کرده بودند که عین مطلب را برای هیئت افغانی ترجمه نکند. ولی آنها حساب اینرا نکرده بودند که در میان هیئت افغانی کسانی وجود دارد که کاملاً بالای زبان روسی تسلط دارند. اما اگر محترم جمیلی غلطی عمدی ترجمان روس را اصلاح نمیکرد، چه میشد؟

آیا مسیر تاریخ عوض میشد؟  
آیا کودتای ثور اتفاق نمی افتاد؟  
و ...؟

به گفته محترم عبدالجلیل جمیلی که شخصاً در مجلس حضور داشتند؛ هر چند کاسیگین با زیرکی خاص جریان مذاکرات را با طرح سؤالی خارج از پروگرام تغییر داد. ولی از نظر بنده همین گفتگو کافی بود تا طرفین موقعیت شان را درک و به آینده بیاندیشند. باز هم به نقل قول از مقاله محترم جمیلی که شهید داوود خان بعد از ختم مذاکره شدیداً متأثر بودند که با درک و احساس تأیر شان حتی تا تقریباً دو ساعت وزراً هم به اطاق شان نرفتند. بعد تر هم دعوت رئیس جمهور کشور اشغالی تاجیکستان را هم نپذیرفته، از خیر توقف در تاشکند اشغالی هم گذشت، و از مسکو مستقیماً به کابل پرواز نمودند. ولی با آن هم شهید داوود خان با حفظ متانت و خونسردی به هیچ عمل عجولانه دست نزد که باعث بیشتر سردی روابط میان دو کشور شود، نه به اخراج متخصصان نظامی و ملکی شوروی از افغانستان دست یازید، و نه هم به آزار و انیت اعضا و رهبران حزب دموکراتیک خلق پرداخت، در حالیکه آنها با تمام قوا دولت داوود خان را سبوتاژ و به فعالیت های ضد دولتی ضد دست میزدند.

در آنطرف هم، شوروی ها به امر دکتاتور سالخورده شان به بازنگری سیاست با افغانستان پرداخته که فقط در کمتر از دو ماه دو جناح متخاصم حزب طرفدار شوروی (حدخا) چون خلق و پرچم را با وجود اختلافات شدید شان در یک اتحاد نامقدس علیه داوود خان بمنظور اجرای کودتای علیه دولت جمهوری افغانستان درست هنگامی بسیج نمودند که امنیت کامل در سراسر افغانستان حکمفرما، رشد اقتصاد افغانستان تا سطح 6 فیصد سالانه درحال ارتقا، پروژه های زیربنای بسرعت در حال ساختمان، روابط افغانستان با کشورهای متحابه جهان - وهمسایگان دوستانه و مهمتر از همه افغانستان روی مشکل سرحدی دیورند با پاکستان، ابتکار عمل را در دست و درمنازعه سرحدی میان دو همسایه و حق تعیین سرنوشت مردم پشتون و بلوچ در حال بُرد بود. وهمزمان با گرفتن امتیاز تاریخی و ایجاد بندر آبی در خاک پاکستان و تاسیس کریدوری با عرض چهل متر از بندر آبی الی سپین بولدک قندهار -افغانستان برای همیشه از مشکل نداشتن بندر آبی نجات پیدا میکرد.

ولی دکتاتور مریض و سالخورده شوروی وقت با مداخله آشکار و بیشرمانه در امور داخلی افغانستان نه تنها تمام آروز های ملت افغان را با خاک یکسان و این ملت را با درد ها و رنج های بی پایان و علاج ناپذیر روبرو ساخت، بلکه خود هم در آتش ایجاد کرده اش سوخت و اتحاد شوروی کبیر با پکت سوسیالیزم اش فروریخت.

بلی درست چهل سال قبل از امروز دکتاتور مریض شوروی وقت در جریان اوج جنگ سرد توهین ها و تحقیرهای را که از سوی امریکا و متحدان ناتو و سنتوی آن در سرحدات شوروی سابق با کشور های ناروی، ترکیه و ایران از صاحب منصبان و نصب تجهیزات پیشرفته امریکایی تحویل میگرفت، در یک عمل کاملاً نا بخردانه، کاسه و کوزه آنهمه آن تحقیر و توهین را به بهانه حضور چند متخصص ملکی کشور های غرب در افغانستان بالای داوود خان شکست و در یک اقدام کاملاً خائینانه علیه رهبری یک کشور دوست در یک کودتای خونین آنرا مکمل، و با پیروزی کودتای مذکور خوشحالی نمودند و هورا ها کشیدند. اما نسبت ندانم کاری ها شوروی ها در امر شناخت از مردم افغانستان و بخصوص عدم شناخت از سایکالوژی و دانش به اصطلاح کادر های رهبری حزب نام نهاد دموکراتیک خلق، هنوز سالی از کودتای ثور نگذشته بود که از اثر سیاست های نابخردانه، عجولانه و طفلانه رهبران

بر سر اقتدار حدخا چون تره کی - امین، مردم افغانستان شورش و بغاوت را علیه دولت دست نشانده و حزب برسر اقتدار در سراسر کشور آغاز نمودند و احساسات نسبی دوستی مردم افغانستان در برابر مردم و دولت شوروی به دشمنی تبدیل و بعد هم با اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ به اوج رسید. آنگاه سردمداران روس به اشتباه عظیم و تاریخی شان در امر سقوط دولت داوود خان پی بردند، ولی دیگر کار از کار کاملاً گذشته بود.

عمل ناشایست و نابخردانه سردمداران روس باعث شد که افغانستان حد اقل نیم قرن از کاروان تمدن جهانی عقب بماند. با پیروزی کودتای شرم آور و ننگین ثور نه تنها ساخت زیر بنا های اقتصادی در حال کار زمان داوود خان متوقف شد، بلکه تمام زیر ساخت های قبلی این کشور نیز نابود گردید، ملیون ها نفر زخمی و شهید و ملیون افغان دیگر را به کشور های گوناگون جهان مهاجر ساخت. مردم این کشور دچار درد ها و رنج های مصیبت باری شده و در نتیجه افغانستان ضعیف و ناتوان را به فرزندان آن به میراث گذاشت، کشوری که در صورت عدم همکاری جامعه جهانی در رأس ایالات متحده؛ هسمایه گان قدرتمند افغانستان چون پاکستان و ایران به انواع گوناگون در امور داخلی آن مداخله، آشکار و غیر آشکار پلان ادغام اینکشور را در خاک شان دارند.

---

1 و 2 - اقتباس از نوشته محترم عبدالجلیل جمیلی تحت عنوان "مرحوم محمد داود خان اولن رئیس جمهور افغانستان و جریان مکمل و واقعی سفر رسمی ۱۹۷۷ ایشان به ماسکو"